

کنکاشی بر نهادهای حکومتی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران

جواد نوری^۱، فاطمه تاتاری^۲

^۱دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران
^۲دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

چکیده

در نظام‌های سیاسی کشورهای مختلف، حاکمیت‌ها در راستای اعمال حکومت از نهادهای، سازمانها و مقامات مختلف در راستای برقراری نظم عمومی و پیشبرد اهداف مربوط به منفعت عمومی استفاده می‌کنند که بنا بر ساختار سیاسی هر کشور، این ابرازهای حکومتی می‌توانند از تنوع زیادی در این زمینه برخوردار باشد. ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای اعمال حاکمیتی خود از نهادها و ابزارهای مختلفی بمنظور حکمرانی اسلامی و حکومتداری استفاده می‌کند. این پژوهش نسبت به بررسی سازوکارها و ابزارهای حکمرانی مورد استفاده در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و تحلیل می‌کند که نهادهای دولتی چگونه قدرت را اعمال، سیاست‌ها را اجرا و کنترل سیاسی را حفظ می‌کنند. لذا از اهداف این تحقیق می‌توان به شناسایی ساختارهای کلیدی حکمرانی (مانند نهادهای سیاسی، مذهبی، قوای سه‌گانه، نهادهای نظامی، سیستم‌های بوروکراتیک)، ارزیابی نقش این نهادها در تدوین سیاست‌ها، تنظیم امور اجتماعی و ثبات سیاسی و همچنین بررسی تعامل بین چارچوب‌های ایدئولوژیک و راهبردهای حکمرانی عمل‌گرایانه اشاره نمود. این مطالعه در راستای بررسی نهادهای حکومتی حکمرانی ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، از شیوه توصیفی-تحلیلی اسناد قانونی، گفتمان‌های سیاسی و مطالعات موردی تعاملات دولت-جامعه استفاده نموده است.

کلیدواژه: حاکمیت، حکومت، حکمرانی اسلامی، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

حاکمیت بعنوان کلیدی‌ترین مفهوم در مطالعات علوم سیاسی و حقوق عمومی، به توانایی ساختار سیاسی در اعمال قدرت نهایی بر یک قلمرو جغرافیایی و جمعیت ساکن در آن اشاره دارد. این مفهوم که ریشه در مباحث فلسفه سیاسی دارد، از دیدگاه ژان بدن (فیلسوف فرانسوی قرن شانزدهم) بعنوان «عالیترین، مطلق و دائمی قدرت بر اتباع و رعایا» تعریف شده است (بدن، ۱۵۷۶، شش کتاب درباره جمهوری). در دوران معاصر، ماکس وبر با نگاهی جامعه شناختی، حاکمیت را «انحصار استفاده مشروع از زور در یک قلمرو معین» می‌داند. این تعاریف نشان می‌دهد که حاکمیت همواره با مفاهیمی چون مشروعیت، قدرت و نهادهای حکومتی پیوند خورده است در اندیشه حکمرانی سیاسی اسلام، حاکمیت مطلق از آن خداوند است و این اصل در قرآن کریم به صراحت بیان شده است: «إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ» (سوره یوسف، آیه ۴۰). براین اساس، نظام سیاسی در اسلام باید به گونه‌ای طراحی شود که حاکمیت الهی را محقق سازد. در عین حال، اسلام به نقش مردم در اداره جامعه نیز توجه داشته است. امام خمینی (ره) با تلفیق این دو اصل، نظریه «ولایت فقیه» را مطرح کردند که در آن فقیه عادل بعنوان نایب امام زمان (عج) مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۵۷، ولایت فقیه). جمهوری اسلامی ایران با الهام از این نظریه، نظام سیاسی خاصی را طراحی کرده که در آن حاکمیت همزمان از مشروعیت الهی و مردمی برخوردار است. قانون اساسی در اصل ۵۶ تصریح می‌کند: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است.» این اصل نشان‌دهنده تلفیق هوشمندانه حاکمیت الهی و مردمی در نظام جمهوری اسلامی است. این مهم در مقایسه با نظامهای سکولار غربی که عموماً بر حاکمیت مردمی تأکید دارند، و نیز در مقابل نظام‌های تئوکراسی محض که نقش مردم را نادیده می‌گیرند، بعنوان الگوی بدیعی است که با استفاده از نهادهای مختلف از قبیل قوه تعدیل کننده و قوای سه‌گانه و همچنین سایر سازمانها و نهادهای حکومتی نسبت به اعمال حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران اقدام می‌نماید. بنابراین در جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت در چارچوب ولایت مطلقه فقیه و با مشارکت مردم اعمال می‌شود. این مدل ترکیبی باعث شده است تا نظام ایران از یکسو از مشروعیت دینی برخوردار باشد و از سوی دیگر، با مکانیسم‌های انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شوراها، مشارکت مردم را نیز تضمین کند. در واقع، نهادهای حکومتی در ایران به گونه‌ای طراحی شده‌اند که هم پاسخگوی اصول اسلامی باشند و هم خواسته‌های مردمی را مدنظر قرار دهند. و بر خلاف دموکراسی‌های لیبرالیسمی مانند آمریکا، که حاکمیت کاملاً به اراده مردم واگذار شده، و یا در نظامهای پادشاهی مطلقه مانند عربستان سعودی، که حاکمیت در اختیار خاندان سلطنتی است، در جمهوری اسلامی ایران حاکمیت بصورت حاکمیت الهی و ملی - مردمی می‌باشد. این نوع حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از نهاد رهبری (ولایت مطلقه فقیه) بعنوان عالی‌ترین مقام سیاسی کشور بر اساس اصول ۵ و ۱۱۰ قانون اساسی و تشکیلات زیر مجموعه آن و همچنین قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه، قضاییه) و سایر نهادهای حاکمیتی و شوراهای محلی انجام می‌پذیرد. بنابراین در جمهوری اسلامی ایران، این ساختار با ویژگی‌های منحصر به فردی طراحی شده که ترکیبی از مولفه‌های دینی (بر اساس فقه شیعه اثنی‌عشری) و مولفه‌های مدرن حکمرانی است. این مقاله سعی نموده است به بررسی سازوکارهای حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران بپردازد و نقش آنها را در تثبیت نظام، مدیریت بحران‌ها و تعامل با جامعه تحلیل کند.

فصل اول: بیان مفاهیم

گفتار اول: حاکمیت

حاکمیت عبارت است از قدرت فرماندهی یا امکان اعمال اراده فوق اراده‌های دیگر، در واقع حاکمیت شامل قدرتی برتر است که هیچ قدرتی در برابر آن وجود ندارد و از هیچ قدرت دیگری تبعیت نمی‌کند و هرگونه صلاحیت از او منشأ می‌گیرد. (نوری، جواد، حقوق اساسی ۱، ۱۴۰۳) حاکمیت، قدرت بلامنازع بر کشور و مردم است که اطاعت همگان و شناسایی کشورهای دیگر را به‌مراه دارد و هرگونه صلاحیت از او منشأ می‌گیرد. (نوری، جواد، گل، ملیکا، آسیب‌شناسی تعدد مراجع قانونگذاری در نظام

حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳). انواع حاکمیت عبارتند از: حاکمیت الهی (همه قدرت‌ها از خداوند نشأت می‌گیرد)، حاکمیت فردی (استبداد مطلق که قدرت از یک فرد نشأت می‌گیرد) و حاکمیت ملی - مردمی (قدرت از مردم آغاز می‌شود و به شکل دموکراسی غیرمستقیم عمل می‌کند).

حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران به استناد اصل ۵۶ قانون اساسی، دارای دو مبنا است:

۱- حاکمیت الهی: این حاکمیت به خداوند نسبت داده شده و بیان می‌دارد که حاکمیت مطلق بر جهان از آن اوست. حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی از آن خداست و ولی فقیه تنهامجری حکم الهی است (جوادی آملی، ولایت فقیه، اسراء، ۱۳۸۵، ص ۴۵) این بینش به ویژه در جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حکومت اسلامی مورد تأکید قرار دارد. حاکمیت الهی براساس عدل است و هیچ حکومتی جز با تایید خداوند نمی‌تواند بر جامعه حاکم شود. (مطهری، مرتضی، عدالت اجتماعی در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲، ص ۹۲).

۲- حاکمیت ملی - مردمی: خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خود حاکم ساخته و هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا آن را به نفع فرد یا گروه خاصی قرار دهد. در اصل ۵۶ قانون اساسی، به حاکمیت مردم و دموکراسی مستقیم تأکید شده است. این اصل بیان می‌دارد که خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خود حاکم ساخته است. لذا حکومت باید از خواست و اراده تبعیت کند. (بیهقی، ابولفضل، تاریخ بیهقی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵). همچنین در اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۲۱ بیان می‌دارد که هرکس حق دارد که بطور مستقیم یا غیر مستقیم در اداره امور کشور خود شرکت کند. همچنین میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱ بیان می‌دارد: تمام مردم حق دارند که به تعیین وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود اقدام کنند.

گفتار دوم: حکومت

حکومت عبارت است از ساختار و نظام سیاسی یک جامعه که امروزه به عنوان رژیم سیاسی شناخته شده است. (باقری، عبدالله، احمدی، سید محمدصادق، تاملی بر مفهوم حکومت، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، ۱۳۹۷). همچنین در نظام‌های قانونی جدید که در آنها تفکیک قوا و اصل حکومت قانون به رسمیت شناخته شده است، حکومت به معنای قوه اجرایی بکار می‌رود، یعنی مجموع دستگاه‌های اداری، سیاسی و انتظامی و نظامی را شامل می‌شود. حکومت ساختارها و ابزارهای اجرایی حاکمیت محسوب می‌شود که شامل مقامات و نهادهاست. در واقع حکومت نظامی است که تحت آن یک کشور یا یک اجتماع اداره می‌شوند. حکومت ابزاری است که به وسیله آن سیاست‌های دولت مورد اعمال واقع می‌شوند و همینطور این نهاد خود مسولیت اداره و مدیریت امور یک کشور، ایالت یا منطقه را برعهده دارند.

این نهادها و ظایف مختلفی ازجمله: وضع قوانین، اجرا و نظارت بر آنها، جمع‌آوری مالیات و ارائه خدمات عمومی را انجام می‌دهند. در ساده‌ترین شکل، حکومت سعی در حفظ نظم و آسایش عمومی دارد. اسپینوزا نخستین و مهمترین فیلسوف سیاسی است که دموکراسی را بهترین نوع حکومت قلمداد کرده، برتری دموکراسی در فلسفه سیاسی اسپینوزا بر مبانی مابعدالطبیعی اندیشه وی مبتنی است. (کریمی، سید مصطفی، شهرآیینی، یوسف، مبانی مابعدالطبیعی برتری دموکراسی در فلسفه اسپینوزا، فصلنامه حکمت و فلسفه، ۱۳۹۷).

به طور کلی انواع حکومت‌ها عبارت اند از:

۱- حکومت‌های دموکراتیک: در این نوع حکومت‌ها، قدرت سیاسی از طریق رای‌گیری و مشارکت عمومی به دست می‌آید و شهروندان حق انتخاب نمایندگان خود را دارند، این نوع حکومت‌ها به حقوق بشر و آزادی‌های فردی اهمیت می‌دهند و معمولاً نهادهای قانونی و قضایی مستقل دارند.

۲- حکومت‌های غیردموکراتیک: مانند رژیم‌های استبدادی و دیکتاتوری، قدرت را بدون مشارکت عمومی و بصورت متمرکز در دست دارند. در این نوع حکومت‌ها آزادی‌های فردی محدود شده و نهادها غالباً تحت کنترل حکومت قرار دارند. شهروندان در این نظام‌ها معمولاً از حق رای و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی محروم هستند.

۳- حکومت مشروطه: نوع دیگری از حکومت است که در آن، قدرت حکومت به قوانین و محدودیت‌های مشخصی محدود می‌شود. این نوع حکومت می‌تواند دموکراتیک یا غیردموکراتیک باشد، اما ویژگی بارز آن وجود یک سند قانونی است که حقوق شهروندان و حدود اختیارات حکومت را تعیین می‌کند. به این ترتیب حکومت مشروطه به نوعی تعادل بین قدرت حکومت و حقوق شهروندان ایجاد می‌کند.

اما تقسیم بندی دیگری در مورد انواع حکومت براساس شیوه‌های مختلف حکومت‌داری و ساختار سیاسی نیز وجود دارد، که عبارت است از:

- ۱- دموکراسی: قدرت از سوی مردم به نمایندگان منتخب واگذار می‌شود و فردیت و حقوق بشر اهمیت زیادی دارد.
- ۲- دیکتاتوری: نوعی حکومت است که در آن یک فرد یا گروه خاص به تنهایی قدرت را در دست دارند و از نظارت و مشارکت مردم جلوگیری می‌کنند.
- ۳- سلطنت: پادشاه یا خانواده‌های سلطنتی بعنوان نهاد حاکم عمل می‌کنند، در برخی موارد سلطنت می‌تواند به صورت مشروطه باشد، یعنی پادشاهی که قدرت خود را به قانون اساسی محدود کرده و یک پارلمان وجود دارد که در بعضی از موارد حق حاکمیت هم دارد.
- ۴- جمهوری: عالی‌ترین مقام اداره کشور معمولاً از طریق انتخابات عمومی انتخاب می‌شوند.

گفتار سوم: حکمرانی اسلامی

آنچه امروز موجب تفاوت و امتیاز جمهوری اسلامی ایران از دیگر کشورهای جهان شده است تلاش این نظام برای ارایه سبک جدیدی از حکومت و حکمرانی بر مبنای آموزه‌های اسلام است. منظور از حکمرانی اسلامی شیوه حکومتی است که در آن ابعاد روابط بین حکومت و مردم، تعامل اجزای تشکیل دهنده حکومت و رابطه آن با سایر حکومت‌ها، در اهداف و سیاست‌ها، قوانین و خط‌مشی‌ها، برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت و ارزیابی براساس مبانی، اصول و روش‌های اسلامی تنظیم می‌گردد. در این چهارچوب تشکیلات اداری که با نرم‌افزار حکمرانی اسلامی به ساماندهی عمومی امور می‌پردازد دولت معیار نامیده می‌شود و هدف آن ایجاد تعادل بین اصول اسلامی و نیازهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است. به عبارت دیگر، حکمرانی اسلامی با استفاده از منابع مذهبی و اصول اخلاقی اسلامی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی را هدایت می‌کند و در عین حال باچالش‌های مدرن روز نیز سازگار است.

یکی از جنبه‌های مهم حکمرانی اسلامی، مشارکت مردم در فرایند تصمیم‌گیری و وضع قوانین و مقررات است. حکمرانی اسلامی باید بستری را فراهم کند که در آن مردم بتوانند صدای خود را به گوش مسولان برسانند و در شکل‌دهی به تعاملات اجتماعی و تصمیم‌های کلیدی نقش داشته باشند. این امر می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی منجر شود و آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهد. حکمرانی اسلامی باچالش‌های متعددی ازجمله نفوذ قدرت‌های خارجی، اصلاحات سیاسی و اقتصادی و تعامل با نهادهای غیردولتی رو به رو است، با این حال فرصت‌هایی نیز وجود دارد که می‌تواند به تقویت حکمرانی اسلامی بینجامد.

بهره‌گیری از اصول اسلامی در تصمیم‌گیری و ارزیابی سیاست‌ها می‌تواند به مسیری منجر شود که در آن نه تنها ارزش‌های اسلامی حفظ شود، بلکه نیازهای معاصر جامعه نیز پاسخ داده شود. (عشایری، طاهای، عبانی، الهام، کاربست راهبردهای مدارای اجتماعی در حکمرانی اسلامی - ایرانی، ۱۴۰۳). حکمرانی اسلامی مفهومی است که فراتر از مدیریت و اجرای قوانین به پیاده سازی و تحقق ارزش‌های اسلامی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی می‌پردازد و می‌تواند بعنوان یک راهبرد کلیدی در حرکت به سوی جامعه‌ای عادلانه و پیشرفته مطرح شود. (غلامی، رضا، معنا و مبنای حکمرانی اسلامی، ۱۳۹۹)

گفتار چهارم: ولایت فقیه

یک نظریه در فقه شیعه است که به فقها و دانشمندان دینی اختیاراتی در زمینه‌های مختلف ازجمله حکومت، قضاوت، و اجرای احکام شرعی می‌دهد. این نظریه بر اساس تفسیرهای از آیات قرآن، روایات ائمه اطهار(ع) و استدلال‌های عقلی شکل گرفته

است. ولایت فقیه به معنای حاکمیت و سرپرستی فقیه جامع‌الشرایط (دارای علم، عدالت، تقوا، درایت و شجاعت کافی) بر جامعه اسلامی در عصر غیبت امام زمان (عج) است.

برخی ادله‌های اثبات ولایت فقیه که در فقه شیعه اثنی عشری به آنها استناد شده است عبارت است از:

۱- «ادله نقلی (قرآن و روایات): آیه اولی الامر: آیه ۵۹ سوره نسا: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم...» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر را و اولی الامر). مفسران شیعه معتقدند که اولی الامر در این آیه، شامل امامان معصوم (ع) و در زمان غیبت، فقهای جامع‌الشرایط را شامل می‌شود. علاوه بر این، روایات متعددی از پیامبر (ص) و ائمه اطهار نقل شده است که بر لزوم مراجعه به فقها در زمان غیبت و اطاعت از آنان تأکید دارند. از جمله این روایات، حدیثی مربوط به امام حسن عسکری (ع) است: «اما هر فقیه‌ای که خویش‌تندار، حافظ دین، مخالف هوای نفس و مطیع امر مولای خود باشد، عوام باید از او تقلید کنند و این ویژگی‌ها جز در بعضی از فقهای شیعه یافت نمی‌شود نه همه آنها.» همچنین در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم (ص) آمده است که «علما وارثان پیامبرانند.» این حدیث به معنای آن است که علما در عصر غیبت وظایف و مسوولیت‌های پیامبران را در حد توان خود برعهده دارند.

۲- «ادله عقلی: عقل حکم می‌کند که برای حفظ نظم و امنیت جامعه و جلوگیری از هرج و مرج اجرای احکام الهی وجود حکومت ضروری است. از آنجا که در زمان غیبت، دسترسی مستقیم به امام معصوم وجود ندارد بهترین نوع حکومت، حکومتی است که توسط فقهای عادل و آگاه به احکام شرعی اداره شود.

نظریه ولایت فقیه یک نظریه فقهی است و در بین فقهای شیعه، نظرات مختلفی در مورد حدود و اختیارات ولی فقیه وجود دارد. ولایت فقیه به معنای استبداد و خودکامگی نیست، بلکه ولی فقیه باید در چارچوب قانون اساسی و احکام شرعی عمل کند و پاسخگوی عملکرد خود باشد، مردم در انتهای و نظارت بر عملکرد ولی فقیه نقش دارند. بنابراین برای اینکه دین خدا پا برجا بماند و انسان عصر حاضر بتواند مسائل اجتماعی - سیاسی خود را با دینش هماهنگ کند وجود فقیهان دین لازم است لذا ضرورت بودن فقیه و ولایت او در جهت استمرار حکومت و پیامبر و اهل بیت امری ضروری است.

فصل دوم: نهادهای حاکمیتی

نهادهای حاکمیتی به سازمان‌ها، ارگان‌ها و ساختارهای دولتی اطلاق می‌شود که مسوولیت مدیریت، نظارت و اجرای قوانین و سیاست‌های عمومی را برعهده دارند. این نهادها در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در کشور نقش کلیدی دارند و معمولاً از طریق نهادهای انتخابی یا انتصابی ساخته می‌شوند. اما به استناد اصل تفکیک قوا انواع نهادهای حاکمیتی عبارت‌اند از:

الف- نهادهای قانونی: مانند مجلس شورای اسلامی که وظیفه تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آنها را برعهده دارد.

ب- نهادهای اجرایی: مانند دولت و هیئت وزیران که مسوول اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی هستند.

ج- نهادهای قضایی: مانند دیوان عدالت اداری و محاکم دادگستری که به حل و فصل اختلافات و اجرای عدالت می‌پردازند.

د- نهادهای نظارتی: مانند دیوان محاسبات و شورای نگهبان که بر اجرای صحیح قوانین و هزینه‌های عمومی نظارت می‌کنند.

و- نهادهای امنیتی و نظامی: مانند نیروهای مسلح و وزارت دفاع که مسوولیت حفظ امنیت داخلی و خارجی کشور را برعهده دارند.

گفتار اول: ولایت فقیه

ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران به معنای حکومت فقیه جامع‌الشرایط (فقیه داری شرایط ویژه) بر جامعه اسلامی است. این مفهوم براساس تفکر اسلامی و به ویژه فقه شیعه اثنی عشری پایه‌گذاری شده است و به لحاظ نظری فقیه به عنوان نماینده امام معصوم (ع) در عصر غیبت، مسوولیت هدایت و رهبری را برعهده دارد. از مهمترین ویژگی‌ها و اهداف ولی فقیه می‌توان:

۱- هدایت جامعه به سمت اهداف اسلامی: ولایت فقیه به دنبال تحقق احکام اسلام و پیش برد عدالت اجتماعی است.

۲- حفظ استقلال و تمامیت ارضی: یکی از وظایف اساسی ولایت فقیه، تامین امنیت و دفاع از کشور است.

۳- نظارت بر اجرای قوانین: فقیه بعنوان ناظر بر دستگاه‌های اجرایی، بر حسن اجرای قوانین نظارت دارد.

گفتار دوم: نهادهای زیرمجموعه رهبری

نهادهای زیرنظر رهبری عبارتی است که در بسیاری از قوانین عادی مورد استفاده قرار گرفته و عاملی برای استثنایاتی در قوانین گشته است. لیکن تعریف و مصادیق این عبارت دارای ابهام است و عموماً تفسیری موسع از آن صورت می‌گیرد، حال آنکه شایسته است اولاً ملاک مشخصی در تعریف این نهادها اتخاذ شود تا مصادیق آن قابل احصا باشد و ثانیاً مستثناسدن این نهادها از شمول برخی قوانین، سازوکار مشخصی داشته باشد. (آقای، مسلم، طوق، محمد، بررسی مفهوم نهادهای زیرمجموعه رهبری و کیفیت نظارت بر آنها در نظام حقوقی ج.ا.ا، ۱۴۰۰). از مهمترین این نهادها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

بند اول- مجلس خبرگان رهبری

مجلس خبرگان رهبری از ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران است که تعیین رهبری و نظارت بر این مقام، کار ویژه‌ای این نهاد به شمار می‌رود. علی‌رغم وجود تحقیقات فقهی- حقوقی در رابطه با کار ویژه‌های یاد شده و مناسبات این نهاد بامقام رهبری، به مصوبات این مجلس، تحلیل ماهیت و نظارت‌پذیری آنها کمتر پرداخت شده است. (شیرزاد، امید، مرجع تشخیص اساسی بودن مصوبات مجلس خبرگان رهبری، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۴۰۰).

بند دوم: مجمع تشخیص مصلحت نظام

به استناد اصل ۱۱۲ قانون اساسی مجمع تشخیص مصلحت نظام نهادی است که در ایران برای حل اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان درمورد مصوبات مجلس ایجاد شده است. و وظیفه اصلی آن بررسی و اظهارنظر در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی است که ازسوی شورای نگهبان مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص داده شده‌اند. در واقع اگر شورای نگهبان قانونی را مغایر با شرع یا قانون اساسی تشخیص دهد، این مجمع بعنوان مرجع نهایی برای حل این اختلاف وارد عمل می‌شود. مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند نظر شورای نگهبان را تأیید یا رد کند. از مهمترین وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌توان:

الف- حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، این وظیفه اصلی و مهم‌ترین وظیفه مجمع است،

ب- تعیین سیاست‌های کلی نظام: به استناد بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی نظام را در حوزه‌های مختلف تعیین می‌کند و مجمع تشخیص مصلحت نظام وظیفه دارد این سیاست‌ها را در قالب برنامه‌ها و قوانین مشخص کند. این وظیفه به ویژه برای هماهنگ‌سازی اقدامات دولتی و نهادهای دیگر با سیاست‌های کلی نظام اهمیت دارد.

ج- پیشنهاد قوانین و مصوبات: مجمع می‌تواند طرح‌های قانونی را به مجلس ارائه دهد.

د- بررسی و رفع ابهامات قوانین: مجمع می‌تواند ابهامات قوانین را بررسی و رفع کند.

لازم به ذکر است که ترکیب و نحوه انتخاب اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی تعریف شده است. و اعضای این مجمع از میان افراد باتجربه و صاحب نظر در زمینه‌های مختلف انتخاب می‌شوند، و در نهایت، تصمیمات مجمع در چارچوب قانون اساسی و باتوجه به مصالح نظام گرفته می‌شود. البته باید به این نکته اساسی توجه داشت که مصوبات مجمع بدون تأیید رهبری فاقد ارزش می‌باشد.

بند سوم: شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی یکی از نهادهای تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی ایران است که به دستور رهبر معظم انقلاب تشکیل و بسیاری از تصمیم‌گیری‌های کلان در حوزه فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران متأثر از این شورا است و هویت ملی بعنوان یک مقوله فرهنگی و گفتمانی در تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی بروز دارد. (هوشنگی، سلیمی‌زاده، حمید، رضا، نشریه مطالعات ملی، ۱۴۰۱، ص ۵۰-۸۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی از جمله نهادهای هنجارگذار حقوقی است که وظایف مختلفی به شرح ذیل را برعهده دارد:

- ۱- تعیین سیاست‌های کلی فرهنگی، علمی و آموزشی کشور،
- ۲- تصویب طرح‌ها و لوایح در زمینه‌های فرهنگی، علمی و آموزشی،
- ۳- بررسی و تصویب ضوابط و معیارهای ارزشیابی فعالیت‌های فرهنگی، علمی و آموزشی،
- ۴- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها و مصوبات شورا،
- ۵- هماهنگی بین دستگاه‌های فرهنگی، علمی و آموزش کشور،
- ۶- تقویت و گسترش فرهنگ اسلامی و ارزشهای انقلاب اسلامی،
- ۷- حمایت از نخبگان و استعدادها برتر فرهنگی، علمی و آموزش،
- ۸- ایجاد توسعه زمینه‌های لازم برای تولید و نشر آثار فرهنگی، علمی و آموزشی،
- ۹- بررسی و ارزیابی وضعیت فرهنگی، علمی و آموزشی کشور،
- ۱۰- تدوین و تصویب سیاست‌های اساسی تبلیغات،
- ۱۱- تبیین و تعیین شاخص‌های کمی و کیفی برای ارزیابی وضع فرهنگی کشور، (جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی نقل از شماره ۱۵۴۰-۱۵، ۱۳۷۶، روزنامه رسمی شماره ۳۶۰۱، د.ش، ۷۶، ۹۰۲).

بند چهارم: شورای بازنگری قانون اساسی:

شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ به منظور اصلاح و بهبود قانون اساسی تأسیس شد. این شورا به دستور امام خمینی(ره)، رهبر انقلاب اسلامی ایران تشکیل گردید و وظیفه اصلی آن بررسی و اصلاح مشکلات موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی که در سال ۱۳۵۸ به تصویب بود، تعیین شد. در نهایت قانون اساسی از دوازده فصل به چهارده فصل و از ۱۷۵ اصل به ۱۷۷ اصل افزایش یافت و در مرداد ۱۳۶۸ به تأیید مقام رهبری رسید و سپس به همه‌پرسی گذاشته شد. جایگاه این شورا در قانون اساسی جدید در اصل ۱۷۷ پیش‌بینی شده است و اعضای آن شامل: روسای قوای سه‌گانه، اعضای شورای نگهبان، اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام، پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری، ده نفر به انتخاب رهبر، سه نفر از هیئت وزیران، سه نفر از قوه قضائیه، ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سه نفر از دانشگاهیان خواهد بود. از مهمترین وظایف این شورا می‌توان به:

- ۱- بررسی و شناسایی نقاط ضعف و قوت قانون اساسی کنونی،
- ۲- ایجاد همفکری با اقشار مختلف جامعه،
- ۳- تشکیل کمیته‌های تخصصی برای بررسی موضوعات خاص مانند حقوق بشر یا تقسیم قدرت،
- ۴- تهیه گزارش‌های جامع شامل پیشنهادات و ارزیابی‌های و ارائه نتایج به مجلس یا سایر نهادهای ذی‌ربط. این شورا تاثیر زیادی بر روند پیشرفت نظام سیاسی و مدیریت کشور گذاشته و منجر به ایجاد یک کشور موثرتر و منظم‌تر گردیده است. (هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵).

بند پنجم: شورای عالی امنیت ملی

شورای عالی امنیت ملی (به اختصار شعام) نهادی در جمهوری اسلامی ایران است که وظیفه تعیین سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی تعیین شده از سوی مقام رهبری و نظارت بر حسن اجرای آنها را برعهده دارد. جایگاه این شورا در اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است. از مهمترین وظایف این شورا می‌توان به:

- ۱- تعیین سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور در زمینه‌های دفاعی، امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی،
- ۲- هماهنگی بین دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی و هم‌افزایی بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف امنیتی و اطلاعاتی کشور،
- ۳- بررسی و ارزیابی تهدیدات امنیتی و شناسایی و ارزیابی تهدیدات داخلی و خارجی علیه امنیت ملی،
- ۴- اتخاذ تصمیمات لازم برای مقابله با تهدیدات و اخذ تصمیمات لازم برای مقابله با آنها،

۵- نظارت بر اجرای سیاست‌های امنیتی اشاره نمود.

رئیس جمهور رئیس این شورا است. اعضای آن شامل مقامات عالی رتبه نظامی، اطلاعاتی، سیاسی و اجرایی کشور می باشند. مصوبات این شورا پس از تأیید رهبری، لازم‌الاجرا می‌باشد.

بند ششم: بنیاد مستضعفان

بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، یک نهاد اقتصادی و اجتماعی است که پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به دستور امام خمینی(ره) تأسیس شد. هدف اصلی از تأسیس این بنیاد در رسیدگی به وضعیت معیشتی و اجتماعی مستضعفان و محرومان جامعه و همچنین توسعه مناطق محروم کشور بوده است. این بنیاد با مصادره اموال و دارایی‌های متعلق به خاندان پهلوی و افراد وابسته به رژیم سابق شکل گرفت. همچنین منابع مالی بنیاد مستضعفان از طریق درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌ها و موسسات تابعه، کمک‌های دولتی و سایر منابع تأمین می‌شود و از مهمترین وظایف و فعالیت‌های بنیاد مستضعفان می‌توان:

۱- فعالیت‌های اقتصادی از طریق شرکت‌ها موسسات تابعه خود زمینه های مختلف اقتصادی مانند کشاورزی، صنعت، معدن، گردشگری، خدمات مالی و

۲- فعالیت‌های اجتماعی و محرومیت زدایی در راستای وظایف اجتماعی و انجام اقداماتی مانند ساخت مسکن برای محرومان، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، کمک به ایتام و نیازمندان، ایجاد اشتغال، توسعه آموزش و فرهنگ در مناطق محروم و.....

فعالیت‌های فرهنگی در زمینه ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی نام برد.

بند هفتم: ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره)

ستاد اجرایی فرمان امام (ره) یک سازمان شبه دولتی در ایران است که زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند. این ستاد در سال ۱۳۶۸ به دستور امام خمینی (ره) تأسیس شد. از جمله وظایف اصلی آن می‌توان به ایجاد اشتغال، حمایت از تولید ملی و بهبود معیشت مردم اشاره کرد. همچنین انجام فعالیت‌های خیریه در حوزه‌های مختلف بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و کمک به محرومان نیز می‌توان اشاره نمود. این ستاد همچنین با ارائه کمک‌های مالی به نیازمندان در تلاش است تا سطح زندگی مردم را ارتقا بخشد و به کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند.

بند هشتم: بنیاد مسکن

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نهادی است که در سال ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی (ره) با هدف تأمین مسکن برای محرومان و نیازمندان، توسعه و عمران روستایی و بهبود شرایط زندگی در مناطق روستایی تأسیس شد. این بنیاد یکی دیگر از نهادهای حاکمیتی است که زیر نظر رهبری فعالیت دارد و اهم وظایف آن عبارت است از:

- ۱- ساخت و احداث مسکن ارزان قیمت برای اقشار کم‌درآمد جامعه به ویژه در مناطق روستایی و شهرهای کوچک،
- ۲- تأمین زمین مسکونی برای خانواده‌های بی سرپرست و معلولان،
- ۳- اعطای تسهیلات بانکی و کمک‌های بلاعوض برای ساخت یا خرید مسکن
- ۴- تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی (برنامه ریزی برای توسعه کاربردی روستاها)،
- ۵- بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده روستایی
- ۶- ایجاد و توسعه زیرساخت‌های روستایی مانند راه، آب، برق و مخابرات،
- ۷- توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اشتغالزایی در روستاها ،
- ۸- تهیه و اجرای طرح‌های مسکن روستایی مقاوم در برابر زلزله

- ۹- بازسازی مناطق آسیب دیده از حوادث طبیعی مانند زلزله، سیل و...
 - ۱۰- تأمین مسکن موقت ودائم برای آسیب دیدگان،
 - ۱۱- بازسازی زیر ساخت های آسیب دیده ،
 - ۱۲- تأمین مصالح ساختمانی ارزان قیمت و باکیفیت برای پروژه‌های مسکن و عمران روستایی،
 - ۱۳- انجام پژوهش‌های مرتبط با مسکن، عمران روستایی و توسعه پایدار،
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارکنان بنیاد روستاییان (قانون تأسیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی)

بند نهم: صدا و سیما

یکی دیگر از نهادهای حاکمیتی که در اصل ۱۷۵ قانون اساسی به آن اشاره شده، سازمان صدا و سیما است. در واقع سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، یک سازمان رسانه‌ای دولتی است که مسولیت تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در سطح ملی و بین‌المللی را برعهده دارد. عزل و نصب رئیس این سازمان به طور مستقیم توسط رهبری انجام می‌شود و شورای مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان را برعهده خواهند داشت. ازجمله وظایف اصلی سازمان صدا و سیما می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در زمینه‌های مختلف ازجمله اخبار، آموزش، فرهنگ، سرگرمی و ورزش تولید و بارعایت اصول و ارزش‌های اسلامی و ملی،
- ۲- اطلاع‌رسانی دقیق و به موقع به مردم درباره مسائل مختلف داخلی و خارجی با حفظ اصل بیطرفی و ارائه اطلاعات صحیح، و آگاهی بخشی به جامعه،
- ۳- ترویج فرهنگ و ارزش‌های اسلامی جامعه با تولید و پخش برنامه‌های مناسب و افزایش تقویت هویت اسلامی و ملی،
- ۴- آموزش و ارتقای سطح دانش عمومی با تولید و پخش برنامه‌های آموزشی در زمینه‌های مختلفی ازجمله بهداشت، محیط زیست، حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی،
- ۵- مقابله با جنگ نرم دشمن با افشای توطئه‌های دشمنان و ترویج آگاهی بخشی، به حفظ امنیت ملی،
- ۶- پوشش رویدادهای مهم داخلی و خارجی به طور کامل و دقیق با اعزام خبرنگاران و تصویربرداران به محل رویدادها،
- ۷- نظارت بر محتوای رسانه‌ها دیگر ازجمله شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی با شناسایی و برخورد با محتوای غیرمجاز و جلوگیری از انتشار آن در جامعه،
- ۸- توسعه فناوری‌های نوین رسانه‌ای نسبت به ارتقای کیفیت برنامه‌های خود اقدام و دسترسی مردم به آنها را آسان ترکند، (قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران)

بند دهم: نیروهای مسلح

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تحت فرماندهی رهبری بعنوان فرمانده کل قوا قرار داشته و مسولیت حفظ استقلال، تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران را برعهده دارند. این نیروها از چند نهاد اصلی ازقبیل: ارتش (شامل نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و پدافند هوایی)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: (شامل نیروهای زمینی، دریایی، هوایی و نیروی قدس) (مسول عملیات برون مرزی) و سازمان بسیج مستضعفین، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) (اگرچه زیرنظر وزارت کشور فعالیت می‌کند اما شرایط خاص و به دستور رهبری می‌تواند تحت امر نیروهای مسلح قرارگیرد) ازجمله مهمترین وظایف کلی نیروهای مسلح می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- حراست از استقلال و تمامیت ارضی کشور و دفاع از مرزهای و جلوگیری از هرگونه تجاوز خارجی،
- ۲- حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی علیه نظام،
- ۳- تأمین امنیت داخلی و تلاش برای حفظ نظم و امنیت داخلی در شرایط خاص ،
- ۴- کمک به مردم در شرایط بحرانی و امدادسانی در حوادث طبیعی و غیرطبیعی ،

- ۵- مشارکت در سازندگی کشور و انجام پروژه‌های عمرانی و زیربنایی در مناطق محروم و مرزی، حفظ آمادگی رزمی و آموزش و تجهیز نیروها برای مقابله با تهدیدات.(قوانین و مقررات نیروهای مسلح)

فصل سوم: قوای سه گانه

گفتار اول: قوه مقننه

در هنگام تدوین و بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸، بحث‌های متعددی پیرامون جایگاه قوه مقننه میان اعضای مجلس بررسی و تصویب این قانون وجود داشت. در این میان شهید بهشتی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری ساختار کنونی قوه مقننه در قانون اساسی داشت. بازخورد این بحث‌ها را می‌توان در تأثیر نظریه امت و امامت ایشان در مواردی چون، معنای قانونگذاری مجلس شورای اسلامی، حدود و اختیارات مجلس، قانونگذاری تفویضی، جایگاه شورای نگهبان در ارتباط با مجلس، مصونیت پارلمانی و جایگاه نمایندگان مجلس دید.(مشهدی، جلیلی، علی، آیت الله، تأملی برجایگاه قوه مقننه در اندیشه حقوق اساسی شهید بهشتی، نشریه دین و قانون). قوه مقننه در ایران براساس اصل ۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده و وظیفه اصلی آن تصویب قوانین برای اداره کشور است، این قوه از مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شده است. در واقع قوه مقننه تک مجلسی است که از دو رکن تشکیل شده است که شامل:

بند اول: مجلس شورای اسلامی

نمایندگان مجلس هر ۴ سال یکبار با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. تعداد نمایندگان در حال حاضر ۲۹۰ نفر است و به استناد اصل ۷۱ قانون اساسی مجلس نقش اصلی را در تصویب قوانین دارد. مجلس شورای اسلامی نهاد قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران است که بر اساس اصل ۶۲ قانون اساسی بعنوان یکی از دو رکن قوه مقننه کشور شناخته می‌شود. این مجلس نقش محوری در تصویب قوانین، نظارت بر اجرای آنها و بررسی عملکرد قوه مجریه دارد. از مهمترین وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی می‌توان به:

- ۱- تصویب قوانین: مجلس اصلی‌ترین مرجع قانونگذاری در کشور است و کلیه قوانین باید با تصویب این نهاد به مرحله اجرا برسند.(اصل ۷۱ قانون اساسی). لوایح پیشنهادی دولت و طرح‌های ارائه شده توسط نمایندگان پس از بررسی در کمیسیون‌های تخصصی و صحن علنی مجلس به تصویب می‌رسند.
- ۲- نظارت بر قوه مجریه: مجلس حق دارد از طریق سوال از رئیس جمهور، وزرا و استیضاح آنها به استناد اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی، بر عملکرد دولت نظارت کند.
- ۳- تصویب بودجه سالانه کل کشور: به استناد اصل ۵۲ قانون اساسی، تصویب بودجه سالانه کل کشور و بررسی گزارش‌های مالی دولت از دیگر ابزارهای نظارتی مجلس است،
- ۴- تصویب توافقنامه‌های بین‌المللی: بموجب اصل ۷۷ قانون اساسی، هرگونه عهدنامه، مقاوله‌نامه، قرارداد و موافقتنامه بین‌المللی باید با تصویب مجلس باشد.

بند دوم: شورای نگهبان

این شورا متشکل از ۱۲ عضو است، ۶ نفر فقیه که توسط رهبر انتخاب می‌شوند، ۶ نفر حقوقدان که از سوی رئیس قوه قضاییه به مجلس معرفی توسط نمایندگان انتخاب می‌شوند. شورای نگهبان یکی از نهادهای مهم در نظام جمهوری اسلامی ایران است که بر اساس اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی تشکیل شده و وظیفه اصلی آن حفظ تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع اسلام و قانون اساسی است. این شورا ترکیبی از فقهای اسلامی و حقوقدانان است و نقش نظارتی و تفسیری در نظام حقوقی کشور دارد. شورای نگهبان بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی دو نوع نظارت اصلی دارد:

الف- نظارت بر مصوبات مجلس (نظارت قانونی): به استناد اصل ۹۴ قانون اساسی، شورای نگهبان موظف است تمام مصوبات مجلس شورای اسلامی را از نظر مغایرت نداشتن با قانون اساسی و موازین شرعی بررسی کند، که خود این نوع نظارت به دو شکل انجام می‌شود:

- ۱- نظارت شکلی (صوری): بررسی رعایت تشریفات قانونی تصویب مصوبه در مجلس، مثلاً آیا مصوبه در صحن مجلس به تصویب رسیده یا خیر،
- ۲- نظارت ماهوی (محتوایی): بررسی محتوای مصوبه از نظر سازگاری با قانون اساسی و احکام اسلام، مثلاً اگر مجلس قانونی تصویب کند که با اصل حرمت ربا در اسلام مغایرت داشته باشد شورای نگهبان آن را رد می‌کند.
- ب- نظارت بر انتخابات (نظارت استصوابی): شورای نگهبان مسئول نظارت بر کلیه انتخابات مهم کشور است، این نظارت از نوع استصوابی است، یعنی شورا نه تنها بر فرایند اجرایی انتخابات نظارت دارد، بلکه حق تأیید یا رد صلاحیت نامزدها را نیز برعهده دارد. مراحل نظارت استصوابی شامل: بررسی صلاحیت نامزدها (احراز شرایط قانونی مانند اعتقاد به نظام، عدم سوء پیشینه، و...)، نظارت بر فرایند اخذ رای (مانند بررسی صندوق‌ها و تقلب)، تأیید نهایی نتایج انتخابات می‌باشد. به استناد اصل ۹۹ قانون اساسی، انتخاباتی که تحت نظر شورای نگهبان قرار دارد عبارت است از: انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان رهبری، همه‌پرسی‌ها (مانند referendum قانون اساسی) در بیان تفاوت نظارت استصوابی و نظارت اطلاعی می‌توان اینگونه بیان داشت که: نظارت استصوابی (مورد عمل شورای نگهبان)، شورا حق دخالت فعال دارد (مانند رد صلاحیت نامزدها)، نتیجه انتخابات بدون تأیید شورای نگهبان رسمیت نمی‌یابد. اما در نظارت اطلاعی (نظارت غیرفعال) ناظر فقط مشاهده روند انتخابات را برعهده دارد و نمی‌تواند در نتیجه تأثیر بگذارد. مانند نظارت نهادهای بین‌المللی بر انتخابات برخی کشورها. اما از دیگر وظایف شورای نگهبان می‌توان به تفسیر قانون اساسی: شورای نگهبان تنها مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی است. (اصل ۹۸) تفسیر این شورا لازم الاجرا است و تمام قوای کشور (مجلس، دولت و قوه قضاییه) موظف به تبعیت از آن هستند. همچنین این شورا نقش در تعیین رهبری دارد، اعضای فقیه شورای نگهبان در مجلس خبرگان رهبری حضور دارند و در انتخاب، نظارت و عزل رهبر نقش ایفا می‌کنند. (اصل ۱۰۷ و ۱۰۸). مدت عضویت در شورای نگهبان ۶ سال است، رئیس و نایب رئیس شورا از میان فقها انتخاب می‌شوند. روند قانونگذاری در ایران شامل مراحل مختلفی است که قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس آن را مشخص نموده است و عبارت است از:

- ۱- ارائه طرح یا لایحه (پیشنهاد قانون) به مجلس،
- ۲- بررسی در کمیسیون‌های تخصصی مجلس،
- ۳- تصویب در صحن علنی مجلس،
- ۴- بررسی توسط شورای نگهبان: اگر تأیید شد، قانون اجرایی می‌شود و اگر رد شده به مجلس بازگردانده می‌شود. (در صورت اختلاف، موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده می‌شود). (عمید زنجانی، عباسعلی، بررسی نقش مجلس شورای نگهبان در نظام سیاسی ایران).

بند سوم: دیوان محاسبات

یکی دیگر از نهادهای قوه مقننه که زیر نظر مجلس شورای اسلامی قرار دارد دیوان محاسبات کل کشور است. دیوان محاسبات کشور یک نهاد نظارتی مالی و حسابرسی زیر مجموعه قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی) است که وظیفه اصلی آن کنترل و حسابرسی درآمدها و هزینه‌های دولت و سایر نهادهای عمومی است. این دیوان بعنوان چشم مالی مجلس عمل می‌کند و از حیث ساختاری مستقل از قوه مجریه است. براساس قانون اساسی و قانون دیوان محاسبات کشور (مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی) وظیفه این نهاد عبارتند از: نظارت مالی بر دستگاههای دولتی حسابرسی کلیه وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی، شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی، بررسی انطباق هزینه‌های دولتی با قوانین بودجه سالانه، کنترل مخارج و درآمدهای دولت جهت جلوگیری از فساد مالی و تخلفات بودجه، رسیدگی به حساب‌ها و گزارش‌های مالی، تهیه و ارائه گزارش‌های سالانه به مجلس شورای اسلامی درباره عملکرد مالی دولت، رسیدگی به حساب‌های مسوولان مالی دولت (مانند وزیران، مدیران کل و روسای سازمانها)، نظارت بر اجرای بودجه کشور، نظارت بر شرکتهای دولتی و بانک‌ها از دیگر وظایف این دیوان می‌باشد. اما از اختیارات

قضایی می توان به اعلام جرم به مراجع قضایی در موارد تخلف به استناد ماده ۹۷ قانون محاسبات عمومی و مسدود کردن حسابهای متخلفین تاسقف یکسال نام برد. (حسینی، سید مهدی، حسابرسی دولتی، انتشارات سمت، ۱۳۹۶)

گفتار دوم: قوه مجریه

قوه مجریه یکی از سه قوه حکومتی در نظام های سیاسی است که وظیفه اجرای قوانین و اداره امور عمومی کشور را برعهده دارد. این قوه معمولاً شامل رئیس جمهور، نخست وزیر، وزرا و سازمان های دولتی است. در جمهوری اسلامی ایران رئیس جمهور پس از رهبری، بالاترین مقام رسمی کشور است و اختیاراتش در اصول ۱۱۳ تا ۱۲۱ قانون اساسی مشخص شده است. این وظایف شامل:

- ۱- به استناد اصل ۱۱۳ قانون اساسی، مسئولیت اجرای قانون اساسی با رئیس جمهور است،
- ۲- ریاست قوه مجریه: به استناد اصل ۱۳۴ قانون اساسی، رئیس جمهور اداره امور کشور را از طریق هیات وزیران انجام می دهد.
- ۳- امضای معاهدات بین المللی پس از تصویب مجلس، (اصل ۷۷)
- ۴- تهیه و پیشنهاد بودجه، ارایه لایحه بودجه به مجلس، (اصل ۵۲)
- ۵- انتصاب وزرا و مسولان ارشد: پس از اخذ تاییدیه از مجلس شورای اسلامی انجام می شود، (اصل ۱۳۳ و ۱۳۶)
- ۶- ریاست شورای عالی امنیت ملی: تصمیم گیری در سیاست های دفاعی، امنیتی (اصل ۱۷۶)
- ۷- اعطای نشان های دولتی بر اساس مصوبات هیأت دولت، از مهمترین وظایف قوه مجریه محسوب می شود.

بند اول: معاونین و هیات وزیران

براساس اصل ۱۲۴ قانون اساسی، رئیس جمهور می تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. این مقامات پس از تأیید رئیس جمهور و در برخی موارد با حکم مستقیم وی به سمت خود منصوب می شوند. بعنوان مثال، معاون اول رئیس جمهور بعنوان جانشین وی در غیاب ایشان (اصل ۱۳۱ قانون اساسی)، ریاست هیات وزیران، هماهنگی بین معاونان و وزارتخانه ها را برعهده دارد. هیات وزیران (هیات دولت) براساس اصل ۱۳۴ قانون اساسی تشکیل می شود و عالیترین نهاد تصمیم گیری اجرایی کشور محسوب می شود. این نهاد متشکل از رئیس جمهور، معاونان و سایر وزرا می باشد. هیأت دولت شامل: رئیس جمهور (رئیس هیأت)، معاون اول رئیس جمهور، وزیران، دبیر هیأت دولت (به عنوان ناظر) می باشد. از مهمترین وظایف و اختیارات هیئت وزیران می توان به: تهیه لوایح قانونی (اصل ۷۴ قانون اساسی)، تصویب آیین نامه های اجرایی (اصل ۱۳۸ قانون اساسی)، پیشنهاد بودجه سالانه (اصل ۵۲ قانون اساسی)، هماهنگی بین دستگاه های اجرایی، نظارت بر اجرای قوانین، تصمیم گیری درباره مسائل کلان کشور، تصویب معاهدات بین المللی (پیش ارسال به مجلس)، تعیین خط مشی سیاست خارجی اشاره نمود. (کدخدایی، دکتر عباسعلی، نظام حقوقی هیات دولت، انتشارات جنگل، ۱۳۹۶)

بند دوم: استانداران

استاندار بعنوان عالی ترین مقام اجرایی استان براساس قانون تعیین حدود اختیارات و مسئولیت های استانداران (مصوب ۱۳۷۶)، اصل ۱۰۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون تقسیمات کشوری (مصوب ۱۳۱۶ با اصلاحات بعدی) منصوب می شود و نماینده دولت مرکزی در استان محسوب می گردد. از مهمترین وظایف اصلی استانداران می توان به:

- ۱- نظارت بر اجرای قوانین و مقررات در استان: استاندار به عنوان بالاترین مقام اجرایی استان، مسوول نظارت بر اجرای سیاست ها، قوانین و برنامه های مصوب دولت در انسان است، این شامل نظارت بر عملکرد دستگاه های اجرایی تحت نظر دولت در استان می شود،
- ۲- هماهنگی بین دستگاه های اجرایی استان: استاندار موظف است بین فعالیت های وزارت خانه، سازمانها و موسسات دولتی در استان هماهنگی ایجاد کند تا از موازیکاری و تداخل وظایف جلوگیری شود،

- ۳- مدیریت بحران و امنیت استان: استاندار رییس شورای تامین استان است و درمواقع بحران (مانند سیل، زلزله، ناآرامی‌های اجتماعی) مسوولیت مدیریت بحران و هماهنگی بین نیروهای امنیتی (نظیر فرماندهی انتظامی، سپاه و دستگاههای امدادی) را برعهده دارد،
- ۴- برنامه‌ریزی توسعه استانی: استاندار رئیس هیأت برنامه‌ریزی توسعه استان است و مسوولیت نظارت بر تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان را برعهده دارد،
- ۵- انتصاب فرمانداران و نظارت بر آنها: استانداران حق انتصاب، عزل و نصب فرمانداران شهرستان‌های تابعه را دارند و بر عملکرد آنها نظارت می‌کنند،
- ۶- نظارت بر بودجه استانی: استاندار بر تخصیص و مصرف بودجه دستگاههای اجرایی در استان نظارت دارد و نمی‌تواند درمورد تغییرات بودجه‌های پیشنهادی ارایه دهد،
- ۷- ارتباط با نمایندگان مجلس و نهادهای نظارتی: استاندار رابط بین دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در استان است و باید پاسخگوی نهادهای نظارتی (مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور) باشد.
- ۸- مسوولیت درقبال حوادث طبیعی: ریاست ستاد مدیریت بحران با استاندار است،
- ۹- مسوولیت امنیت غذایی: ریاست شورای تامین کالاهای اساسی استان، (قانون تعیین وظایف و اختیارات و مسوولیت های استانداران و فرمانداران (۱۳۸۴))

بند سوم: فرمانداران

- فرمانداری یک نهاد اجرایی و اداری زیرمجموعه وزارت کشور است که در سطح شهرستان فعالیت می‌کند، فرماندار بعنوان نماینده دولت و استاندار در شهرستان، مسوول اجرای سیاست‌های کلان کشور، حفظ نظم و امنیت و هماهنگی بین دستگاههای اجرایی است. از وظایف و اختیارات فرمانداران می‌توان به:
- ۱- اجرای سیاست‌های دولت و قوانین کشور در شهرستان: نظارت بر اجرای قوانین و مصوبات دولت در سطح شهرستان، اطمینان از همسویی اقدامات ادارات دولتی با سیاستهای کلی نظام،
 - ۲- ریاست شورای اداری شهرستان: ریاست جلسات اداری شهرستان، متشکل از روسای ادارات دولتی، تصمیم گیری درمورد مسائل مهم اجرایی و خدماتی شهرستان،
 - ۳- مدیریت بحران و امنیت شهرستان: ریاست شورای تامین شهرستان و هماهنگی بین نیروی انتظامی، سپاه و دستگاه های امنیتی،
 - ۴- مدیریت بحران در حوادث طبیعی (سیل، زلزله، آتش سوزی) و ناآرامی‌های اجتماعی،
 - ۵- نظارت بر ادارات دولتی و بخش خصوصی: نظارت بر عملکرد ادارات دولتی زیرمجموعه وزارتخانه‌ها در شهرستان رسیدگی به شکایت مردم از دستگاه های اجرایی،
 - ۶- هماهنگی در امور انتخابات: مسئول تشکیل ستاد انتخابات شهرستان و نظارت بر برگزاری سالم انتخابات،
 - ۷- نظارت بر عملکرد امور بخشداری ها و دهیاری‌ها (قانون تشکیلات و وظایف فرمانداری ها و بخشداری ها)

بند چهارم: بخشداری

- بخشداری یک نهاد اداری زیرمجموعه وزارت کشور است که در سطح بخش (واحد جغرافیایی) کوچکتر از شهرستان و متشکل از چند دهستان (روستا) فعالیت می‌کند. بخشداری بعنوان نماینده فرماندار و بخش مسئول اجرای سیاست‌های دولت، حفظ نظم و امنیت و هماهنگی بین نهادهای محلی است. از مهمترین وظایف و اختیارات بخشدار عبارت است از:
- ۱- اجرای سیاست‌های دولت و قوانین در سطح بخش: نظارت بر اجرای قوانین و دستورات دولت و فرمانداری در محدوده بخش، اطمینان از هماهنگی اقدامات ادارات محلی با سیاست‌های کلان کشور،
 - ۲- ریاست شورای اداری بخش: ریاست جلسات شورای اداری بخش متشکل از روسای ادارات دولتی مستقر در بخش تصمیم‌گیری در مورد مسائل اجرایی و خدماتی بخش،

- ۳- هماهنگی امور امنیتی و انتظامی: عضویت در شورای تامین بخش و همکاری با نیروی انتظامی و نهادهای امنیتی، پیشگیری و مدیریت بحران در حوادث طبیعی و ناآرامی‌های محلی،
- ۴- نظارت بر دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستا: نظارت بر عملکرد دهیاران شوراهای اسلامی روستاهای تابعه، رسیدگی به شکایات و اختلافات محلی در روستاها،
- ۵- پیگیری امور عمرانی و توسعه روستایی: هماهنگی با دستگاههای اجرایی برای اجرای پروژه‌های عمرانی در بخش،
- ۶- مشارکت در برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها،
- ۷- رسیدگی به امور اجتماعی و فرهنگی: حمایت از فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و آموزش روستاها، حل و فصل اختلافات محلی با کمک بزرگان و ریش سفیدان روستا،
- ۸- ارتباط با فرمانداری و گزارش‌دهی: ارائه گزارش‌های ادواری به فرمانداری درباره وضعیت بخش، پیگیری دستورات فرماندار و استاندار در سطح بخش، (قانون تشکیلات و وظایف فرمانداری‌ها و بخشداریه‌ها (۱۳۶۷)، قانون تعیین وظایف و اختیارات بخشداران (۱۳۷۰)

گفتار سوم: قوه قضائیه

- قوه قضائیه در نظام جمهوری اسلامی یکی از سه قوه حاکمیتی (درکنار قوه مجریه و مقننه) است، که مسئول تحقق عدالت، نظارت بر اجرای قوانین، پیگیری جرایم و حفظ حقوق عمومی است. این قوه بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی تعریف شده و وظایف، اختیارات و محدودیت‌های آن به شرح زیر است:
- ۱- رسیدگی به تظلمات و حل دعاوی (اصل ۱۵۶ قانون اساسی): بررسی شکایت مردم، حل اختلافات حقوقی و کیفری و صدور حکم براساس قوانین مصوب،
 - ۲- احیای حقوق عمومی و گسترش عدالت (اصل ۱۵۶): نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دستگاههای دولتی و عمومی،
 - ۳- کشف جرم و تعقیب مجرمان: مسئولیت نظارت بر کار دادستانها، نیروی انتظامی و نهادهای امنیتی در امور قضایی،
 - ۴- نظارت بر حسن اجرای قوانین: نظارت بر عملکرد قوه مجریه و سایر نهادها برای جلوگیری از تخلف یا نقض قانون،
 - ۵- امور حسبه: رسیدگی به اموری که نیاز به دخالت دادگاه دارد مانند نصب قیم برای محجورین،
 - ۶- تنظیم روابط قضایی با سایر قوا: همکاری با قوه مقننه برای پیشنهاد قوانین مرتبط با قضاوت،
 - ۷- انتخاب رئیس قوه قضائیه: رئیس این قوه توسط رهبری برای مدت ۵ سال منصوب می‌شود و اختیارات گسترده‌ای در مدیریت سیستم قضایی دارد.
 - ۸- تشکیل دیوان عالی کشور و دادگاههای تخصصی: نظارت بر یکپارچگی رویه‌های قضایی و رسیدگی به تجدید نظرخواهی،
- رئیس قوه قضائیه توسط رهبری منصوب می‌شود و بالاترین مقام قضایی کشور است. اصول ۱۱۰ و ۱۵۷)

بند اول: دیوان عالی کشور

- دیوان عالی کشور براساس اصل ۱۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی کشور شناخته می‌شود. این نهاد وظیفه دارد بر اجرای صحیح قوانین در دادگاه‌ها نظارت کند و وحدت رویه قضایی را تضمین نماید. وظایف اصلی دیوان عالی کشور، براساس قانون اصلاح تشکیلات دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۸۱) و قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری، وظایف دیوان عالی کشور شامل موارد زیر است:
- ۱- نظارتی و تجدید نظری: رسیدگی به درخواست‌های تجدیدنظر از آرای دادگاههای عمومی و انقلاب (مواد ۳۶۸ تا ۴۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری)،
 - ۲- رسیدگی به اعاده دادرسی در موارد خاص: مانند کشف مدارک جدید (ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی)
 - ۳- ایجاد وحدت رویه قضایی: صدور رای وحدت در موارد اختلاف بین دادگاهها (ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی)،

- ۴- نظارت بر تطبیق آرای دادگاهها با قوانین و شرع،
 - ۵- نظارت بر قضات: بررسی تخلفات قضایی (طبق قانون رسیدگی به تخلفات قضایی)،
 - ۶- پیشنهاد عزل یا نصب برخی مقامات قضایی به رییس قوه قضائیه،
 - ۷- بررسی و اعلام نظر درباره لوایح قضایی،
 - ۸- نظارت بر اجرای صحیح احکام قضایی.
- دیوان عالی کشور دارای ساختار تشکیلاتی از قبیل: هیأت عمومی دیوان عالی کشور (متشکل از رییس دیوان و روسای شعب)، شعب حقوقی و کیفری (هرکدام با چندین شعبه تخصصی)، دادستان کل کشور و معاونان وی، دبیرخانه هیأت عمومی است.

بند دوم: دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری براساس اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأسیس شده و بعنوان مرجع تخصصی رسیدگی به شکایات علیه دولت و دستگاههای اجرایی عمل می کند. این دیوان یکی از مهم ترین نهادهای کنترل قضایی بر اعمال حکومت محسوب می شود.

از مهمترین وظایف اصلی دیوان عدالت اداری می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- رسیدگی به شکایات علیه ادارات دولتی: شکایت از تصمیمات، اقدامات یا مقررات برخلاف قانون ادارات (ماده ۱۰ قانون دیوان)،
 - ۲- رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت (ماده ۱)،
 - ۳- شکایت از آرای هیات های رسیدگی به تخلفات اداری (ماده ۱۲)،
 - ۴- ابطال مصوبات خلاف قانون: رسیدگی به تصویب نامه ها و ابین نامه های دولتی مغایر با قوانین (ماده ۱۳)،
 - ۵- ابطال مقررات مغایر با شرع یا قانون اساسی،
 - ۶- رسیدگی به اعتراضات استخدامی (ماده ۱۳)،
 - ۷- نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات اداری.
- ساختار تشکیلاتی دیوان عدالت اداری عبارت است از: هیأت عمومی دیوان (عالیترین مرجع تصمیم گیری)، شعب بدوی (در مراکز استان ها)، شعب تجدیدنظر (در تهران)، دادستان دیوان عدالت اداری.

بند سوم: سازمان بازرسی کل کشور

سازمان بازرسی کل کشور براساس اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأسیس شده و بعنوان مرجع عالی نظارتی بر عملکرد تمامی دستگاههای اداری و اجرایی کشور عمل می کند. این سازمان مستقیماً زیر نظر رییس قوه قضائیه فعالیت می کند. از مهمترین وظایف سازمان بازرسی کل کشور می توان به:

- ۱- نظارت جامع بر دستگاه های اجرایی: بازرسی از کلیه وزارتخانه ها ، موسسات دولتی، شرکت های دولتی و نهادهای عمومی، بررسی تخلفات اداری، مالی، عملکردی کارکنان دولت،
 - ۲- رسیدگی به شکایات مردمی: بررسی شکایات مردم از دستگاههای اجرایی، پیگیری سوءاستفاده های مالی واداری،
 - ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین: کنترل اجرای صحیح قوانین و مقررات در دستگاهها، ارایه گزارش های نظارتی به رییس قوه قضائیه و مقامات ذی ربط،
 - ۴- پیشگیری از فساد اداری و مالی، همکاری با دیوان محاسبات کشور در امور مالی.
- ساختار تشکیلاتی سازمان بازرسی کل کشور عبارت است از: رییس سازمان که باحکم رییس قوه قضائیه منصوب می شود، شورای عالی بازرسی، متشکل از ۷ نفر از شخصیت های حقوقی و قضایی، معاونت های تخصصی (واحد بازرسی مالی، واحد بازرسی اداری و واحد بازرسی قضایی)، بازرسان کل کشور که در سطح مالی و استانی فعالیت می کنند و دبیرخانه مرکزی که مسئول هماهنگی امور جاری می باشد. انواع روش های بازرسی شامل: بازرسی سرزده (بدون اطلاع قبلی)، بازرسی ادواری (براساس برنامه

زمان‌بندی شده)، بازرسی موردی (براساس شکایت یا دستور مقام قضایی) می‌باشد و این بازرسان حق دسترسی به تمام اسناد و مدارک دستگاهها (ماده ۱۰)، حق احضار و استماع اظهارات مسوولان و ارایه توصیه‌های اصلاحی به دستگاهها (ماده ۱۲) را دارند

بند چهارم: شوراهای محلی

شوراهای محلی براساس اصول ۱۰۰ تا ۱۰۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور (مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی) تشکیل می‌شوند، این نهادها بعنوان ارکان تصمیم‌گیری و نظارت محلی در سطوح روستا، شهر، بخش و شهرستان عمل می‌کنند. انواع شوراهای محلی وساختار آنها شامل: شورای اسلامی روستا که بعنوان کوچک‌ترین واحد شورایی محسوب می‌شود، شورای اسلامی شهر بمنظور مدیریت امور شهری، شورای اسلامی بخش که وظیفه نظارت بر چند روستا را دارد و شورای اسلامی شهرستان وظیفه هماهنگی بین بخش‌ها را بر عهده دارد. دوره فعالیت این شوراها ۴ ساله (قابل تمدید برای یک دوره) است و بصورت انتخاب اعضا بصورت مستقیم توسط مردم آن محل انجام می‌شود. از مهمترین وظایف و اختیارات اصلی این شوراها می‌توان به:

- ۱- نظارت بر عملکرد شهرداری‌ها و دهیاری‌ها (ماده ۸۰ قانون شوراها)،
 - ۲- بررسی گزارش‌های مالی دستگاههای محلی (ماده ۸۱)،
 - ۳- نظارت بر اجرای طرح‌های عمرانی (ماده ۷۶)
 - ۴- تصویب برنامه‌های توسعه محلی (ماده ۷۱)،
 - ۵- مشارکت در تهیه بودجه‌های شهرداری و دهیاری (ماده ۷۳)،
 - ۶- پیشنهاد احداث مراکز فرهنگی و آموزشی (ماده ۶۸)
 - ۷- همکاری در امنیت عمومی با نیروی انتظامی (ماده ۸۵)،
 - ۸- مشارکت در حال اختلافات محلی (ماده ۸۷)،
 - ۹- نظارت بر امور بهداشت و محیط زیست محلی (ماده ۷۹)
- به استناد اصل ۱۰۳ قانون اساسی، این شوراها مستقل هستند اما تحت نظارت استانداران عمل می‌کنند. شورای های شهر، شهردار را انتخاب و بر کار او نظارت می‌کنند.

نتیجه گیری

با عنایت به وجود شیوه‌های مختلف حکمرانی در ساختار سیاسی کشورها که به شیوه‌های مختلفی از قبیل سکولار غربی که عموماً بر حاکمیت مردمی تأکید دارند مانند آمریکا، که حاکمیت را کاملاً به اراده مردم واگذار کرده و یا نظام‌های تئوکراسی محض که نقش مردم را نادیده می‌گیرند مانند نظام‌های پادشاهی مطلقه مثل عربستان سعودی، که حاکمیت در اختیار خاندان سلطنتی است، ساختار حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، بعنوان الگوی بدیعی است که با استفاده از نهادهای مختلف از قبیل قوه تعدیل کننده و قوای سه‌گانه و همچنین سایر سازمانها و نهادهای حکومتی نسبت به اعمال حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران اقدام می‌نماید. لذا در اندیشه حکمرانی سیاسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت مطلق از آن خداوند است و این اصل در آیه ۴۰ سوره یوسف به صراحت بیان شده است. بر این اساس، نظام سیاسی باید به گونه‌ای طراحی شود که حاکمیت الهی را محقق سازد. در عین حال، اسلام به نقش مردم در اداره جامعه نیز توجه داشته است. امام خمینی (ره) با تلفیق این دو اصل، نظریه «ولایت فقیه» را مطرح کردند که در آن فقیه عادل بعنوان نایب امام زمان (عج) مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده می‌گیرد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران با الهام از این نظریه، نظام سیاسی خاصی را طراحی کرده که در آن حاکمیت همزمان از مشروعیت الهی و مردمی برخوردار است. لذا تلفیق هوشمندانه حاکمیت الهی و مردمی در نظام جمهوری اسلامی نشاندهنده حاکمیت خدا بر همه و همچنین دخالت اراده مردم در تعیین سرنوشت شان می‌باشد. این نوع حاکمیت در جمهوری اسلامی

ایران، با استفاده از نهاد رهبری (ولایت مطلقه فقیه) بعنوان عالی‌ترین مقام سیاسی کشور و تشکیلات زیر مجموعه آن و همچنین وجود قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه، قضاییه) و سایر نهادهای حاکمیتی و شوراهای محلی انجام می‌پذیرد.

منابع

- ۱- قرآن کریم،
- ۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،
- ۳- آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی،
- ۴- آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری،
- ۵- آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان،
- ۶- قانون تأسیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی،
- ۷- قوانین و مقررات نیروهای مسلح،
- ۸- قانون تشکیلات و وظایف فرمانداری‌ها و بخشدارها،
- ۹- قانون تشکیلات و وظایف فرمانداری‌ها و بخشدارها، ۱۳۶۷،
- ۱۰- قانون تعیین وظایف و اختیارات بخشداران ۱۳۷۰،
- ۱۱- قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور،
- ۱۲- قانون تشکیل دیوان عدالت اداری،
- ۱۳- قانون تشکیل دیوان عالی کشور،
- ۱۴- قانون تشکیلات شورای اسلامی کشور،
- ۱۵- قانون تعیین وظایف و اختیارات و مسوولیت‌های استانداران و فرمانداران، ۱۳۸۴.
- ۱۶- اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران،
- ۱۷- جواد آملی، ولایت فقیه، اسراء، ۱۳۸۵،
- ۱۸- بیهقی، ابولفضل، تاریخ بیهقی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵،
- ۱۹- مطهری، مرتضی، عدالت اجتماعی در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲،
- ۲۰- کدخدایی، دکتر عباسعلی، نظام حقوقی هیات دولت، انتشارات جنگل، ۱۳۹۶،
- ۲۱- حسینی، سید مهدی، حسابرسی دولتی، انتشارات سمت، ۱۳۹۶،
- ۲۲- عمید زنجانی، عباسعلی، بررسی نقش مجلس شورای نگهبان در نظام سیاسی ایران،
- ۲۳- غلامی، رضا، معنا و مبنای حکمرانی اسلامی، ۱۳۹۹،
- ۲۴- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵،
- ۲۵- نوری، جواد، حقوق اساسی ۱، ۱۴۰۳،
- ۲۶- نوری، جواد، گل، ملیکا، آسیب‌شناسی تعدد مراجع قانونگذاری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳،
- ۲۷- باقری، عبدالله، احمدی، سید محمدصادق، تأملی بر مفهوم حکومت، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، ۱۳۹۷،
- ۲۸- کریمی، سید مصطفی، شهرآیینی، یوسف، مبانی مابعدالطبیعی برتری دموکراسی در فلسفه اسپینوزا، فصلنامه حکمت و فلسفه، ۱۳۹۷،
- ۲۹- عشایری، طاها، عباتی، الهام، کاربست راهبردهای مدارای اجتماعی در حکمرانی اسلامی - ایرانی، ۱۴۰۳،
- ۳۰- هوشنگی، سلیمی‌زاده، حمید، رضا، نشریه مطالعات ملی، ۱۴۰۱،
- ۳۱- جایگاه، اهداف وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی نقل از شماره ۱۵۴۰-۱۰، ۱۳۷۶، روزنامه رسمی شماره ۳۶۰۱، دش،
- ۳۲- مشهدی، جلیلی، علی، آیت الله، تأملی بر جایگاه قوه مقننه در اندیشه حقوق اساسی شهید بهشتی، نشریه دین و قانون،

A Study of Government Institutions in the Governance of the Islamic Republic of Iran

Javad Nouri¹, Fatemeh Tatari²

1- PhD in Public Law, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran.

2- Law student, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran.

Abstract

In the political systems of different countries, governments use various institutions, organizations, and authorities to establish public order and advance public interest goals. Depending on the political structure of each country, these government expressions can vary greatly in this regard. The political structure of the Islamic Republic of Iran also uses various institutions and tools for Islamic governance and governance in order to exercise its sovereignty. This research examines the mechanisms and tools of governance used in the Islamic Republic of Iran and analyzes how government institutions exercise power, implement policies, and maintain political control. Therefore, the objectives of this research include identifying key governance structures (such as political, religious institutions, the three branches of government, military institutions, bureaucratic systems), assessing the role of these institutions in policy formulation, regulating social affairs, and political stability, and also examining the interaction between ideological frameworks and pragmatic governance strategies. This study uses a descriptive-analytical approach to legal documents, political discourses, and case studies of state-society interactions to examine the governing institutions of the political structure of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Sovereignty, government, Islamic governance, Islamic Republic of Iran.
